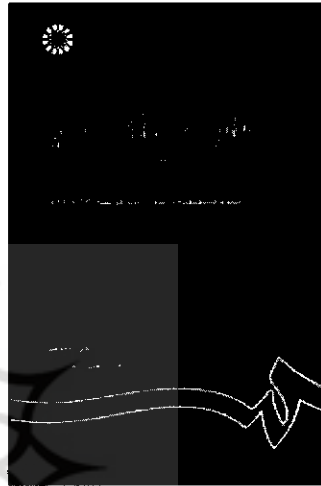


# تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید

• شهرام رمضانی بن‌دین بالنگاه



■ تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید: از سقوط قسطنطنیه تا انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹-۱۴۵۳)  
 ■ تألیف: نقی لطفی، محمدعلی علیزاده  
 ■ ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۱، ۳۰۴ ص، ۱۳۰۰۰ ریال  
 ■ شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۶۹۷-۸

تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید، از سقوط قسطنطنیه تا انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹-۱۴۵۳)، به قلم جناب آقای دکتر نقی لطفی، استاد گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد و به اهتمام آقای محمدعلی علیزاده به عنوان یکی از منابع اصلی درس «تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید» از سوی انتشارات سمت منتشر شده است.

کتاب شامل مقدمه و پنج بخش کلی است. هر بخش از چند فصل مجزا تشکیل شده است که در خلال مباحث مربوطه تنها به مسائل صرف سیاسی توجه نشده، بلکه به وقایع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی و نقش آنها بر رویدادهای غرب و به تبع آن جهان و به ویژه «بینش تاریخ نویسی» توجه شده است.

در مقدمه، مولف به مطالبی چون تاریخ نگاری اروپا در عصر جدید، اصطلاح عصر جدید، اختلاف نظر در مورد معنا و مفهوم تقسیم بندی و یا به عبارت صحیح تر دوره بندی تاریخی و ویژگی‌ها و مختصات قرون جدید پرداخته است. یکی از مباحث جالب‌مطروحه این قسمت، بحث درباره تاریخ نگاری اروپا در عصر جدید و تحولی است که در نوع بینش

تاریخی پدید آمد و آن را از حوزه سنتی که متأثر از تفاسیر مشیت‌گونه الهی دستگاه کلیسایی بود خارج نمود به حوزه جدیدی سوق داد. این تحول متأثر از اندیشه‌های اومانیستی بود که همچون ابر باران‌زا دانه‌های تردید را در سنت‌های تاریخی بینش مهجور کلیسایی می‌افشاند و به گفته نویسنده اثر «تاریخ نگاری اروپا را در آستانه علمی شدن و استقلال آن از ادبیات و فلسفه و دیگر علوم قرار داد.»<sup>۱</sup>

در بررسی علل این فرایند، مؤلف به تحولاتی چون جنگ‌های صلیبی، پیدایی رنسانس و پیامدهای آن و پرداختن به ادبیات فرهنگی تاریخی یونانی - رومی و بیداری روح ملی در میان مردم اروپا (که آن‌ها را از هویت متحد و یکسان «امت مسیح» در قالب نامتحد و نامتجانس «ملت مسیح» سوق می‌داد) توجه نموده است. در واقع این مسائل و بازشناسی ادبیات کهن زمینه لازم جهت ایجاد اصلاح در اندیشه‌های تاریخی اروپا را فراهم نمود.

به عنوان نمونه مولف در خصوص پیامد جنگ‌های صلیبی معتقد است: «تأثیر جنگ‌های صلیبی و ضد بدعتی در آثار نویسندگانی چون ژوانوئل، ممز یوری، پرایس، گرامز، دوکلاری، هاردوئن و صوری به تألیف آثار تاریخی نسبتاً ارزشمندی منجر شد که علاوه بر وقایع نگاری و بیان حوادث سیاسی، از طریق برخی تحلیل‌ها و با ارائه نظریات و اطلاعات بی‌شمار تاریخی، عرصه جدیدی در حوزه تاریخ نگاری سنتی گشوده شد.»<sup>۲</sup>

«در قرون وسطی تاریخ از منظر الهیات بررسی و خود جزئی از الهیات محسوب می‌شد...» در حالی که در عصر جدید این مفهوم دستخوش تغییر شده است. در عصر جدید به دلیل بازگشت به ایده‌ال‌های رنسانس و بانگش به انسان و روی گردانی از الهیات، برداشت جدیدی از تاریخ صورت می‌گیرد.»<sup>۳</sup>

برداشت مؤلف از این فرایند و تأثیری که بر معنا و مفهوم جدید تاریخ به جا گذارد نیز در خور توجه است: «در این برداشت، تاریخ به مثابه یک درام یا فاجعه نیست که آغاز و انجام آن معلوم باشد. بلکه با بازگشت به این جهان و تزلزل انسجام تفکر کهن و آزادی انسان از قیود و سنت‌های دست و پاگیر قرون وسطایی، نگرشی این جهانی به تاریخ صورت می‌گیرد و با جدا شدن تاریخ از الهیات، این رشته خود یک رشته علمی محسوب می‌شود.»<sup>۴</sup>

نکته جالبی که مولف در لابه‌لای این بخش به آن پرداخته، مربوط به کشف قاره آمریکا است که در آن به گفته دکتر شریعتی استناد کرده، مبنی بر اینکه مسلمانان خیلی زودتر از کریستف کلمب و دیگران به این سرزمین رفته‌اند و از جمله دلایل دکتر شریعتی در اثبات این ادعا، منابع اسلامی بوده که در آنها به گوشت تلخ بز در مناطق کارائیب اشاره شده

در قرون وسطی تاریخ از منظر الهیات بررسی و خود جزئی از الهیات محسوب می‌شد... در حالی که در عصر جدید این مفهوم دستخوش تغییر شده است. در عصر جدید به دلیل بازگشت به ایده‌ال‌های رنسانس و بانگش به انسان و روی گردانی از الهیات، برداشت جدیدی از تاریخ صورت می‌گیرد.

است.<sup>۵</sup>

ایتالیا نسبت به گذشته خود و تمدن درخشان روم بود. در واقع ایتالیا به مثابه «چشمه‌ای بود عمیق» که از یک سرمنشأ تغذیه می‌شد که همانا تمدن شکوهمند روم باستان بود: «... مردمان آن سوی آلپ فاقد این بینش و خودآگاهی بودند چرا که اصولاً فاقد تمدن بودند. در بینش مسیحی قرون وسطی انسان‌ها منتظر پایان جهان بودند، ولی در بینش ایتالیایی این دید وجود نداشت.»<sup>۶</sup> نکته مهمی که از مد نظر دورنمانده و به درستی به آن اشاره شده تأثیری است که ادبیات عرب بر ادبیات رنسانس به جا نهاد که حاوی مضامینی چون عشق و ستایش زندگی بود. زیرا این گونه ادبیات در فرهنگ غربی قرون وسطایی که متأثر از فرهنگ زندگی فئودالی، با مختصات خاص خودش همچون جنگ و حماسه بود و در قالب ادبیات شوالیه‌گری نمود می‌یافت، تضاد داشت.<sup>۷</sup> برای درک بهتر مطلب کافی است این جمله هگل را به خاطر آوریم: «آفتابی که امروز در آسمان اروپا تابیدن گرفته، مطلع الشمس در مشرق زمین بوده است.»

**فصل دوم:** فصل دوم به بررسی ادبیات رنسانس در ایتالیا اختصاص دارد و شرح بیوگرافی برجسته‌ترین پیشگامان ادبی چون دانته، پترارک و بوکاچیو است که با خلق آثار و انتشار آفرینش‌های ادبی خود نوید یک زایش را می‌دادند، مؤلف بر آن است تا از طریق بررسی عقاید زعمای برجسته ادبی این عصر به واکاوی هرچه دقیق‌تر این تحول فکری، فرهنگی بپردازد.

**فصل سوم:** این فصل به مسائلی چون پدیده اومانیسیم، ریشه‌لغوی آن، ابعاد مختلف آن، طلایه‌داران این نهضت، میزان نفوذ اومانیسیم در سراسر اروپا و علل افول رنسانس در ایتالیا اختصاص دارد. از جمله نکات ظریفی که در این فصل مورد توجه قرار گرفته، بررسی و مقایسه اخلاقیات در بینش او مانیسیتی - رنسانسی با اخلاقیات تعبدی کلیسایی است. به عقیده مولف وجه تمایز این دو حول محور انسان و میزان اهمیتی است که در هر یک از این دو بینش به انسان محوری اختصاص داده شده: «در اخلاقیات اومانیسیتی، انسان خود مرکز ثقل هر چیز قرار می‌گیرد و معیار همه چیز است، در حالی که در بینش کاتولیکی معیار همه چیز خداوند است نه انسان.»<sup>۸</sup> دیگر این که «با پیدایش مسیحیت اخلاقیات جامعه یونانی - رومی تحت الشعاع اخلاقیات مسیحی قرار گرفت و با توجه به آن انسان‌گرایی از جامعه اروپایی رخت بریست. تفکرات اومانیسیتی که یک مفهوم آن بازگشت به عصر باستان است، کوشید با بازگشت به تفکرات قدیمی آن را جایگزین اخلاقیات مسیحیت کند.»<sup>۹</sup> و بازهم جالب این که: «همه متفکران رنسانس عصر جدید مسیحی هستند ولی مسیحیت را منطبق بر تجلیات قرون وسطایی‌اش نمی‌دانند.»<sup>۱۰</sup>

در پایان این فصل میزان نفوذ رنسانس و بینش اومانیسیم در سراسر اروپا به ویژه در انگلستان، آلمان و فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است. از آن بین کشور فرانسه بیشترین تأثیر را در مقایسه با سایر کشورها پذیرفته که این مسئله نیز بیشتر در قالب علمی و فرهنگی ظاهر شده است.

### بخش دوم:

در این بخش مؤلف به اکتشافات جغرافیایی در غرب و علل آن و نیز به تأثیر این فرایند بر نحوه شکل‌گیری هر یک از امپراتوری‌های عصر جدید چون پرتغال و اسپانیا و... اشاره نموده‌است. اکتشافات جغرافیایی معلول سه عامل برشمرده شده که عبارتند از: «نخست، افزایش اطلاعات جغرافیایی؛ دوم، آشنایی بیشتر اروپائیان با تمدن اسلامی در شرق

مولف، شکل‌گیری و رشد مناسبات سرمایه‌داری، پیدایش مفهوم انقلاب (در پی بهم خوردن موازنه طبقاتی و مراتب اجتماعی) غرش توپخانه و پیدایش امپراتوری‌های جدید استعماری را که برخلاف امپراتوری‌های قدیم که بر مناسبات ارضی استوار بودند، بر آب‌ها تکیه داشتند و بر اساس یک شبکه ارتباطی منظم در دریاها پدید آمده بودند را از دیگر علل به وجود آورنده این جهان بینی جدید می‌داند.

ویژگی دیگر جایگزینی مفهوم «ملت» به جای مفهوم «امت» است. به سخن دیگر از بطن فروپاشی مسیحیت و امت مسیح، ملل تازه‌ای متولد شدند. پیدایش اتوپیایا که هدف همه آن‌ها حول این محور می‌گشت که این انسانی که در عصر ظلمت تنها کاندیدای ورود به بهشت بود، می‌تواند بهشت خود را در این دنیا و روی همین کره‌خاکی بنا کند. رشد بینش پروتستانی و اختراع دستگاه چاپ که به اضمحلال تفکر قرون وسطایی منجر شد و غرش توپخانه‌ها که به فروپاشی قلاع فئودالی انجامید، زمینه را برای آزادی فکر و آزاد اندیشی فراهم نمود و به تدریج رگه‌های انسان مداری در آن هویدا گشت.

در مجموع به نظر نگارنده کتاب، فروپاشی جهان بینی تاریک قرون وسطایی و پیدایش جهان بینی جدید و تأثیری که این جریان بر رقابت بین شرق و غرب برجا نهاد قابل تصور بود<sup>۱۱</sup> که در نهایت به برتری غرب انجامید: «به طور قاطع تا قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی تفاوت چندانی بین شرق و غرب وجود نداشت، ولی از قرون چهاردهم میلادی به تدریج موازنه قدرت به نفع غرب بر هم خورد و مهمترین عامل آن نیز همان تسلط غربیان بر شریان‌های حیات تجاری در سطح بین‌المللی بود. اروپائیان از این زمان به بعد توانستند کالاهایشان را به دروازه‌های شرقی عرضه کنند.»<sup>۱۲</sup>

### بخش اول:

**فصل اول:** در این فصل نویسنده با طرح این سوال که چرا رنسانس از ایتالیا آغاز شد پیدایی آن را معلول سه عامل مهم می‌داند که ایتالیا در مقایسه با کشورهای دیگر اروپایی و با توجه به سابقه تاریخی درخشانش در بطن خود داشت. این عوامل عبارت بودند از: ۱- رشد و گسترش مناسبات شهری، ۲- پیشینه فکری و فرهنگی ایتالیا و ۳- تنوع نظامات سیاسی در شهرهای آن کشور.

در مورد عامل اول، به عقیده مؤلف این مسئله تنها یکی از عوامل احيای شهرهای اروپایی است؛ حال آنکه از منظر داخلی عامل مهم دیگری در این زایش موثر بوده و آن پیدایش «کمون شهری» از طریق جدایی پیشه‌ها و حرف شهری از حرف روستایی است. بدین معنا که در شکل‌گیری کمون شهری شاهد پیدایش طبقات جدید اجتماعی هستیم که در آمد آنها نه به اتکاء مناسبات ارضی و کشاورزی، بلکه ماحصل تجارب و خلاقیت‌های فردی آنهاست که این امر خود به ایجاد اشتغال تولیدی و پیدایش اصناف و اتحادیه‌ها منجر گردید، و در نهایت امر به استقلال و خود مختاری این شهرها انجامید. حال آنکه در برخی از کشورهای اروپایی همچون انگلیس و فرانسه که دارای دول مستقل ملی بودند، شهرها در ید اختیار و قدرت شاهان بوده و مناسبات اقتصادی و تجاری از طریق آنها صورت می‌گرفت، در حالی که در ایتالیا این مناسبات به گونه‌ای مستقیم از سوی شهرها انجام می‌شد.<sup>۱۳</sup>

عامل دیگر که به زعم نویسنده، در این زمینه نقش داشت، فراهم بودن بستر مناسب در ایتالیا بود که در حقیقت معلول خودآگاهی مردم

کالاها، موقعیت ونیز و دیگر کشورهای اروپایی را خطرناک می‌کردند. به گونه‌ای که ونیزی‌ها باید مبالغ هنگفتی را به دولت عثمانی می‌دادند تا بتوانند کالاها را دریافت کنند... و از آنجا که تجار ونیزی و جنوایی کالا را از عثمانی دریافت می‌کردند و سپس مبالغی را به آن افزوده و سپس در سطح اروپا توزیع می‌کردند، این دست به دست شدن کالا و افزایش بهای آنها مشکل اساسی غرب را نشان می‌دهد.<sup>۱۶</sup>

پایان این بخش طی فصل‌های چهارم تا هشتم به اکتشافات پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و هلندی‌ها اختصاص دارد.

### بخش سوم:

در آغاز این بخش مولف به شرح زندگانی، افکار و ابعاد مختلف شخصیتی دو تن از مصلحان مذهبی غرب به عنوان آغازگران حرکت اصلاح مذهبی در غرب یعنی جان وایکلیف و یان هوس می‌پردازد. به عنوان نمونه در بیان ویژگی‌های وایکلیف در این کتاب آمده است: «اندیشه او به گونه‌ای است که از کلیسا برداشت خاصی ارائه می‌کند: هیچ مسیحی حق ندارد که خود را رئیس کلیسا بداند، در نتیجه کشیشان مقام ویژه‌ای ندارند...» «پایه نظری موضعگیری ضد کلیسایی وایکلیف این بود که انجیل‌ها تنها سرچشمه ایمان هستند و تعبیر کلیسا از انجیل معتبر نیست.»<sup>۱۷</sup> در بیان اهمیت تأثیر افکار و عقاید وایکلیف همین بس که: «قیام معروف سال ۱۳۸۱م. در انگلستان به رهبری وات تیلور، از تبلیغات ضد کلیسایی و ضد فئودالی وایکلیف الهام گرفته بود.»<sup>۱۸</sup> به زعم نویسنده کار کرد واژه پروتستانتیسم معلول شرایطی دو سویه است: «به جنبشی اعتراضی گفته می‌شود که از سوی رقومیست‌های مشهوری چون لوتر و گالون علیه عملکرد کلیسای کاتولیک صورت گرفت و اصطلاحاً آن را پروتستانتیسم می‌نامند. پس هنگامی به کار رفت که کلیسای کاتولیک برای مقابله با رشد جنبش پروتستانتیسم دست به اصلاحاتی زد که اصطلاحاً به آن Counter reform یعنی ضد رفرم می‌گویند.»<sup>۱۹</sup>

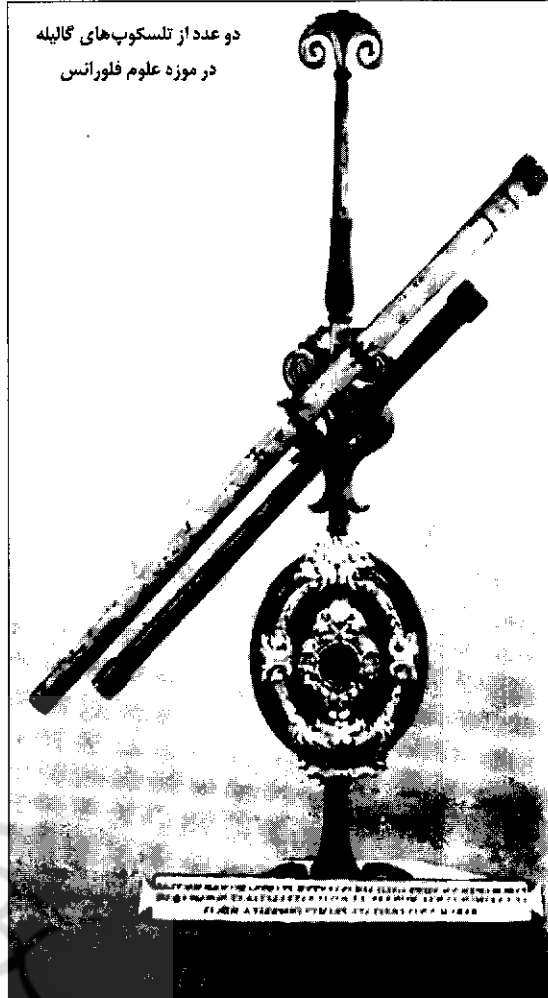
به عقیده نویسنده، رفرم مذهبی معلول سه علت یعنی انگیزه‌های مذهبی، اقتصادی و سیاسی بود.

یکی از موضوعات جالبی که در این بخش گنجانده شده همانا جایگاه مذهب و کلیسا نزد اومانیت‌هاست. ممکن است این سوال در ذهن متبادر شود که با توجه به تحولات رخ داده، تقابل بین اومانیت‌ها با کلیسا به چه صورت بوده است؟ آیا با آن کنار آمده و مدارا می‌کردند یا به آن می‌تاختند؟ آیا می‌توان گفت که با فراهم شدن تدریجی شرایط، این فضا میسر می‌شد تا اومانیت‌ها به تقابل مستقیم با مذهب و کلیسا برخیزند؟ در پاسخ به این سوالات، باید گفت که جواب تا حدودی منفی است. چرا که: «به طور کلی نمی‌توان گفت که اومانیت‌ها با مسائل مذهب سر و کار نداشتند، چیزی که جلب نظر می‌کند این است که به هر حال هنوز کلیسا چهارچوب منظم و مشخصی دارد. ممکن است که کلیسا تضعیف شده باشد، ولی احساس بینش و ایمان مذهبی مردم هنوز محکم و استوار است. اومانیت‌ها که نمی‌توانستند مستقیماً با ایمان مذهبی مردم برخورد کنند، روشی را در پیش گرفتند که درگیر مسائل مذهبی نشوند.»<sup>۲۰</sup>

به عبارت بهتر در عین حال که آنها همواره در تقابل با جهان بینی و اصول کلیسایی قرار داشتند اما همواره اهتمامشان بر این بود که در گذر این رخداد کمترین اصطکاک را با مردم پیدا کنند.

نکته جالب و ظریف دیگری که در این فصل به آن پرداخته شده، این است که چه نسبتی بین رنسانس و رفرم برقرار بوده و این که آیا اصلاح

دو عدد از تلسکوپ‌های گالیه در موزه علوم فلورانس



مدیرانه از طریق جنگ‌های صلیبی و سوم، فتح قسطنطنیه به وسیله ترکان عثمانی و تأثیر پیامدهای آن بر روابط تجاری شرق و غرب.<sup>۲۱</sup> اما شاید از بین عللی که موجبات اکتشافات را فراهم آورد، فتح قسطنطنیه، بر آمدن امپراتوری عثمانی و تسلط آن بر شریان‌های مواصلاتی تجاری شرق و غرب و پیامد آن را بتوان به عنوان علت‌العلل این مسئله دانست که مولف قبل از پرداختن به کشورهایی که در این راه گام برداشتند، طی یک مقدمه، به طور واضح و شیوا این مسئله را مدنظر قرار داده است: «عامل اصلی جنگ‌های صلیبی نیز در اصل تصاحب بازارهای مسلمانان بود... اروپائیان در کوشش برای گسترش مسیحیت و آزادی اماکن متبرکه مسیحی در اصل در پی منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود بودند.»<sup>۲۲</sup> شاید بتوان گفت اگر در دنیای قدیم تمام راه‌ها به روم ختم می‌شد، در این زمان بیزانس این نقش را بر عهده داشت: که همچون دژی مستحکم توانسته بود به مدت هزار سال در برابر حملات افواج و امواج مهاجم مقاومت کند و سر به آسمان بساید... اما پیشرفت فنون و تکنیک‌های جنگی در طول زمان، این درخشش هزارساله را در حقیقت قرار داده و سلطان محمد فاتح توانست با استمداد از «استراتژی دهانه توب» آخرین ضربه کاری را بر مستحکم‌ترین دژ قرون وسطایی و آخرین سنگ مسیحیت ارتدکس وارد آورد. نتیجه این مسئله چیزی جز افزایش تعرفه گمرکی و افزایش قیمت کالا توسط عثمانی نبود. همین مسئله موجب شد تادلر اروپایی در پی تماس مستقیم با شرق برآیند: «... ترکان نیز با تحمیل گمرکات فراوان و باج و خراج‌های گزاف بر آن

آن برهه تاریخی جهان نقش مهمی در معادلات منطقه و بین‌المللی ایفا می‌کردند، پرداخته شده است. در خلال این مباحث نه تنها به طور ریشه‌ای به تاریخچه و تحولات هر یک از این کشورها توجه شده، بلکه به بررسی نقش شخصیت‌ها، حوادث و وقایع مهمی که در هر یک از این کشورها رخ داده مانند جنگ‌های مذهبی سی ساله، معاهده صلح «وستفالیا»، «ریشلو» و «مازارن» در فرانسه و نقش آنها در تاریخ سیاسی - اجتماعی این برهه از تاریخ فرانسه و انقلاب انگلستان توجه شده است. اما شاید اختصاص دادن آخرین قسمت این بخش به تاریخ آمریکا و انقلاب آن، تدارکات ایدئولوژیک آن انقلاب و مقایسه‌اش با انقلاب‌های دیگر و پیامدهای آن بر تحولات و روابط بین‌الملل در نوع خود منحصر به فرد باشد.

شاید بتوان یکی از نقاط قوت کتاب را در این دانست که تنها به شرح ساده و تاریخ نگارانه وقایع تاریخی نمی‌پردازد، بلکه همواره سعی شده تا هر مسئله‌ای از ابعاد مختلف مورد بررسی و مذاقه قرارگیرد و نگاه مولف به تحولات رخ داده در جهان به واقع نوعی «نگاه‌تقراری» است. توجه مولف به همزمانی وقایع گوهر شب چراغ آسیا «هند» در نیمکره شرقی کره زمین و تحولاتی که در سیزده مستعمره‌انگلیس در آمریکای شمالی واقع در نیمکره غربی رخ می‌دهد یکی از مصادیق مهم برای درک این نکته ظریف است: «درست هنگامی که در دهه هفتاد قرن هجدهم میلادی بخشی از سرزمین هند تن به یوغ بندگی استعمارگران انگلیس داد، در بخش غربی مستعمرات این کشور، سیزده مستعمره آمریکای شمالی دست به انقلاب زدند و خود را از سلطه استعماری انگلستان رهاپندند.»<sup>۲۶</sup>

ممکن است این سوال در ذهن متبادر شود که با توجه به نام کتاب که تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید نامگذاری شده و به طور طبیعی مطالب آن نیز باید حول همین محور زمانی و مکانی بچرخد، بنابراین اختصاص جزئی کوچک از کتاب به آمریکا و تحولات آن چه محلی از اعراب می‌تواند داشته باشد و اصولاً بین این دو مسئله چه ارتباطی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که رویدادها و وقایع تاریخی همچون حلقه‌های زنجیر به هم متصل هستند، بنابراین برای درک وقایع تاریخی هر عصر باید این حلقه‌ها را که گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم به یکدیگر ارتباط می‌یابند در کنار یکدیگر قرارداد.

با این توضیح، اگر آمریکا در گذشته‌ای نه چندان دور، در خلال جنگ‌های بین‌الملل از دور دستی بر آتش داشته، امروزه این روند برعکس شده و این کشور تحت توجیحات و دستمایه‌های مختلف در جای جای این کره خاکی از نزدیک دستی بر آتش دارد و سایه‌اش در همه جا سنگینی می‌کند. بنابراین روند استخلاص سیزده مستعمره‌نشین آمریکای شمالی از جنگال استعمار پیر و این که چگونه در این پروسه و تحولات مربوط به آن استعمار جدید آمریکا از بطن استعمار پیر (انگلستان) پا به عرصه وجود نهاد، اختصاص بخشی هر چند جزئی به این موضوع را ضروری می‌نماید.

نکته دیگری که باید به آن اشاره نمود، طرز تلقی و مقایسه‌ای است که بین انقلاب آمریکا با انقلابات دیگر از جمله انقلاب هلند، انگلیس و فرانسه به دست داده شده است: «به طور کلی تا زمان مورد بحث بیشتر از دو انقلاب رخ نداده بود: یکی انقلاب هلند علیه اسپانیا و دیگری انقلاب انگلیس. انقلاب هلند نوعی جنگ رهایی‌بخش از زیر سلطه اسپانیا بود، درحالی که انقلاب انگلستان جنگ داخلی بین پارلمان و سلطنت بود. به هر حال انقلاب آمریکا به انقلاب هلند شباهت داشت

دینی ساخته و پرداخته رنسانس بوده است یا بالعکس؟ نویسنده کتاب معتقد است که رفرم معلول رنسانس است و به سخن دیگر رنسانس حیاتی‌ترین علل رفرم بود که به خطاهای حیات اجتماعی و سیاسی اروپا اشاره کرد و چشم‌های مردمان را به این خطاها باز کرد تا بتوانند شرایط محیط اطراف خود را بهتر درک کنند: «اگرچه آراسموس، غول بزرگ عقلایی، مشعل‌دار رنسانس بود و هارتین لوتر سمبل رفرم دینی، اما همچون بارانی که محصول ابراست، رفرم نیز محصول رنسانس بود.»<sup>۲۷</sup> اما اینکه رنسانس و رفرم چه وجه تشابه و تضادی با یکدیگر داشتند، آمده است که هر دو جنبش مدافع فردگرایی بوده و با جبریت و نظم مقرر و سازمان یافته قرون وسطایی مخالف و خواهان احیای سیستم کهن بودند. هم رنسانس و هم رفرم زمینه‌های اقتصادی خاصی را در رشد اقتصاد سرمایه‌داری و صعود جامعه بورژوازی به همراه آوردند. اما تفاوت‌های این دو نیز در نوع خود جالب است مبنی بر اینکه رنسانس حرکتی فرهنگی بود ولی صیغه اصلاح دینی جوهره مذهبی داشت. رنسانس نسبت به رفرم جهانی‌تر بود... اگر رنسانس را بازگشت به ادبیات یونانی و رومی بدانیم، رفرم واکنشی در برابر این بازگشت بود... با این حال مولف تا بدانجا پیش می‌رود که رنسانس را متأثر از تفکرات مسلمانان می‌داند.<sup>۲۸</sup>

در فصل نهم که فصل ما قبل آخر این بخش است، مولف به شرح زندگی و افکار رفرمیست‌های پیشگام مانند لوتر، زوینگلی، کالون و... در کشورهای مختلف می‌پردازد.

در فصل دهم از بخش سوم کتاب مؤلف به موضوع واکنش کلیسای کاتولیک در برابر آئین پروتستان پرداخته و معتقد است که: «اگر رفرم یک جنبش اعتراضی علیه قدرت آئین کاتولیک بود، ضد رفرم اصلاح ساختار داخلی کلیسای کاتولیک را خواستار بود و زادگاهش در اسپانیا بود.»<sup>۲۹</sup> مؤلفین دلایل پیدایش جنبش ضد رفرم را در سه مسئله خلاصه می‌کنند:

- ۱- شکاف در میان پروتستان‌ها
- ۲- اتحاد گروهی از پاپ‌های ترقی خواه
- ۳- حمایت قاطعانه فلیپ دوم، امپراتور متعصب اسپانیا که با پرهیز از هر گونه اغماض دینی و حمایت از تصمیمات «شورای ترنت» و «جامعه ژزوئیت‌ها» و راه اندازی تشکیلات انگیز یسیون به نوعی به مخالفت با حرکت اعتراضی برخاسته بود.<sup>۳۰</sup> به عبارت بهتر تشکیل شورای ترنت، ایجاد جامعه ژزوئیت‌ها و تشکیلات تفتیش عقاید مظاهر ضد رفرمیستی کلیسای کاتولیک بود. در انتهای این فصل مولف به نتایج رفرم دینی توجه و آن را از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و... مورد بررسی و مذاقه قرار داده است.

به عنوان نمونه از منظر اقتصادی رفرم دینی، تأثیرات خاص خود را در ساختار اقتصادی برجای نهاد تاجایی که به زعم نویسنده کتاب مهمترین دستاورد رفرم دینی «ارائه برداشت‌های جدیدی از مذهب برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و طبقه بورژوازی شهری بود که سرانجام به رشد مناسبات سرمایه‌داری در اروپا منتهی شد و با تقویت اندیشه ناسیونالیستی و رشد فردگرایی پاسخی اساسی به نیازهای عصر جدید اروپا داد.»<sup>۳۱</sup>

### بخش چهارم:

در این بخش طی سه فصل مجزا به تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی سه کشور عمده اروپایی یعنی اسپانیا، فرانسه و انگلستان که در تحولات

نوعی جنگ استقلال طلبانه برای خروج از زیر سلطه انگلستان تلقی می‌شد.<sup>۲۷</sup>

فارغ از این موضوع، نویسنده انقلاب کبیر فرانسه و پیامدهای آن را بر امریکا از نظر دور نداشته، بلکه بر این اعتقاد است که پشتوانه تدارکات ایدئولوژیک انقلاب آمریکا که کسانی چون «توماس پین» با آثار خود چون *عقل سلیم* و امداد آن بودند، از افکار واندیشه و مبانی ایدئولوژیک عصر روشنگری فرانسه و متفکران آزادی‌خواهی چون *جان لاک*، *مونتسکیو* و *روسو* الهام گرفته بود.<sup>۲۸</sup> در یک جمله می‌توان گفت که نویسنده تنها در شرح حوادث و جنگ‌های استقلال طلبی آمریکا غوطه ور نشده، بلکه با در نظر گرفتن شرایط نامساعد داخلی و خارجی که زمینه را برای این امر مهیا نمود، به خوبی بیان می‌دارد که «آمریکا، چگونه آمریکا شد.»

### بخش پنجم:

بخش پایانی کتاب در سه فصل تنظیم شده است. فصل چهاردهم به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی اروپا در عصر جدید اختصاص دارد. به زعم مؤلف، هر چند نمی‌توان نقش مسائل علمی، ادبی، فلسفی را در چنین فرایندی کتمان کرد، اما از آن بین بیشترین‌ها را باید برای عوامل اقتصادی قائل شد: «تقابل عصر جدید، با دوره قرون وسطی محتوای اقتصادی داشت. با ورود به مناسبات بورژوازی و اقتصاد سرمایه‌داری ساختار فئودالیتنه دگرگون شد. هر چند که محتوای اساسی این تفاوت در ساختار اقتصادی بود، ولی به تبع آن در دیگر زمینه‌های علمی، فنی، فناوری، ادبی و فلسفی نیز اختلافاتی رخ داد و تفاوت جهان بینی عصر جدید با دوره قرون وسطی آشکار شد.»<sup>۲۹</sup>

فصل پانزدهم به شرح نوزایی و تحول اندیشه سیاسی در عصر جدید و برخی نمایندگان آن چون *نیکولو ماکیاول* و *ئدن* اختصاص داده شده که البته برخی از این نمایندگان پیام‌آوران مکتب استبداد بودند. نکته قابل اذعان اینکه اگر در قرون وسطی استبداد در قالب پوسته کلیسا در ساختار قدرت اروپا چهره نموده بود، اما در عصر جدید این رویه رنگ باخت و استبداد در قالب نهادسیاست رخ نمود و در وجود پادشاهان متجلی شد. به عقیده نویسنده، به جز متفکرانی که در این زمینه بستر فکری لازم را فراهم نمودند، فضا و شرایط نیز برای این دگرذیسی مهیا بود: «با توجه به اینکه در دوره قرون وسطی اقتصاد بشری به شکل اقتصاد کشاورزی و زمینداری بود، ساختمان دولت و سیستم حکومتی نیز به شکل فئودالی بود که با واگذاری اختیارات به اشخاص و دادن امتیازات به آنها قدرت شاه از بالا به پایین منتقل می‌شد.

در کنار این سیستم، مسیحیت و بینش کلیسایی نیز مطرح بود. در حالی که در عصر جدید با رشد تجارت و بازرگانی و ظهور طبقه بورژوازی، فروپاشی در ساخت اقتصاد فئودالی صورت پذیرفت و این امر تغییر در ساخت سیاسی حکومت را امری ضروری ساخت. پیدایش مکتب استبداد در پاسخ به چنین شرایطی شکل گرفت. از آنجا که طبقه جدید برای عقب راندن فئودال‌ها و کاهش قدرت کلیسا و برای وحدت بازار داخلی نیازمند یک قدرت برتر بود، به پادشاهان روی آورد تا با کمک آنها به سرکوب فئودال‌ها و اشراف بپردازد.»<sup>۳۰</sup>

در فصل شانزدهم نیز تحولات اجتماعی اقتصادی اروپا در عصر جدید بررسی شده است، تا از آن طریق سیر تطور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهایی چون ایتالیا، اسپانیا، انگلیس و فرانسه در این برهه تاریخی، از انقلاب تجاری تا انقلاب صنعتی، به دقت مورد بازبینی قرار

گیرد. فهرست منابع و مأخذ نیز بخش پایانی کتاب است. در یک جمع بندی کلی، این کتاب تحقیقی است کامل، پخته، رسا و شیوا که نه تنها حق مطلب را بیان کرده، بلکه یکی از محاسن کتاب این است که مؤلف در حین بازگویی مطالب با طرح سوال، به اغلب نکات برآمده از ذهن نویسنده و یا مطالب ضد و نقیض، به نحو مطلوب پاسخ می‌گوید. از دیگر محاسن کتاب ارائه یک چهارچوب مشخص فکری و ذهنی به خواننده است که به او در تسهیل فهم و درک مطلب کمک می‌کند.

### پی نوشت‌ها:

۱- دکتر نقی لطفی، محمدعلی علیزاده: تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید، انتشارات

سمت، ۱۳۸۱. ص ۵

۲- همان. ص ۲

۳- همان. ص ۹

۴- همان. همان

۵- همان. همان

۶- سابقه این نگرش به عصر جدید محدود نمی‌شود، بلکه برای درک این موضوع باید به گذشته‌های دور یعنی قبل از میلاد مسیح و مناسبات دولت هخامنشی یا دولت شهرهای آسیای صغیر و یونان به ویژه یونان و اسپارت رجوع کرد. جمله معروف اورپیروس مبنی بر اینکه «آسیا حکم برده اروپا را دارد» می‌تواند بهترین مدعا برای درک این مهم باشد که در حقیقت بیانگر حالت روحی آن عصر است.

علاقه‌مندان جهت مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانند به دو کتاب «یونانیان در برابر بربرها» از مرحوم دکتر بدیع و «آسیا در برابر غرب» از داریوش شایگان مراجعه کنند.

۷- تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید. ص ۲۲

۸- همان. صص ۲۸ و ۳۷

۹- همان. ص ۳۱

۱۰- همان. ص ۳۲

۱۱- همان. ص ۵۳

۱۲- همان. ص ۵۵

۱۳- همان. ص ۶۴

۱۴- همان. ص ۶۹

۱۵- همان. ص ۷۳

۱۶- همان. ص ۷۸

۱۷- همان. ص ۱۲۵

۱۸- همان. ص ۱۲۴

۱۹- همان. همان

۲۰- همان. ص ۱۳۷

۲۱- همان. ص ۱۴۰

۲۲- همان. ص ۱۴۱

۲۳- همان. ص ۱۷۵

۲۴- همان. ص ۱۷۹-۱۷۵

۲۵- همان. ص ۱۸۱

۲۶- همان. ص ۲۲۴

۲۷- همان. ص ۲۲۵

۲۸- همان. ص ۲۳۲

۲۹- همان. ص ۲۳۷

۳۰- همان. ص ۲۴۷